

پ پ

پَرستویِ زیبایی در آسمان پرواز می‌گردد . پروین پیش پدر و مادر
نشسته بود . پدرام توپ بازی می‌گردد . او پسر شادی است .
مادر پروین نان می‌پزد . پروین نان با پنیر دوست دارد . پدر
پروین پزشک است . سه روز پیش پروین بیمار شد . مادر به او
سوپ داد و پتو روی سرش کشید . پدر یک پاکت پسته آورد .
پروین کم کم درمان شد .



پ پ

پَرستو پرواز توپ پروانه پنیر پدر پرنده پا پارو

پَر پیر پُر سوپ پیش پشت پوست پرده

پَشه شاپرگ پدram پایان می پزد می پُرسد پرستار

پَزشک پاک گن پسته پروین پریسا پیمان پسر

پسته ی تازه پنیر شور پیرمرد دانا پر اردگ

اداره ی پُست پوست دست

